

راهبردهای ضد تروریسم در ایران: رویکرد فرهنگی

ابراهیم حاجیان^۱

محسن کریمی شیرودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۵/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال هفتم / شماره بیست و سوم - تابستان ۱۳۹۳

چکیده

تروریسم گرچه پدیده‌ای نو نیست، به عنوان یکی از معضلات جهان امروز، گریبان‌گیر بسیاری از دولت‌هاست و چنان گسترش یافته که بسیاری از معادلات بین‌المللی را متأثر کرده است. حوزه نفوذ این پدیده حتی حاکمیت برخی کشورها را به چالش کشیده و بسیاری را نیز به اندیشه مقابله با آن واداشته است. از این رو ارائه راهبردهای ضد تروریستی جامع و مانع، که با توجه به رویکردهای مختلف در نگرش به تروریسم تدوین شده باشد، امری ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر با انگاشتن فرهنگ به مثابه شیرازه هر اجتماع، تروریسم را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که ریشه در فرهنگ‌ها دارد؛ از این رو اساس مقابله با تروریسم را نیز رویکرد فرهنگی می‌داند. این پژوهش در نظر دارد با ارائه مجموعه راهبردهای فرهنگی، به مثابه راهبردی پایه‌ای، به مقابله با تروریسم بپردازد و در این مسیر ضمن لحاظ مقدرات و محدودیت‌های جمهوری اسلامی ایران، سعی در تدوین طرحی جامع و بومی دارد. از این رو با ارائه هفت سرفصل «راهبردهای ضد تروریستی در سطوح مختلف جغرافیایی، راهبردهای ضد تروریسم در قبال حوادث تروریستی در بازه‌های مختلف زمانی، سیاست‌های ضد تروریسم بر اساس ماهیت، راهبردهای متمرکز بر گروه‌های تروریستی، سیاست‌های کلان معطوف به فعالیت‌های گروه‌های تروریستی، سیاست‌های تحدید و دفع تروریسم در مبدأ، و مقابله با تمام انواع تروریسم موجود یا پیش روی کشور» به تبیین سیاست‌ها پرداخته و سپس در دو سرفصل، تقسیم وظایف ملی در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم و تقسیم وظایف نهادهای حاکمیتی (عمومی) در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم را طرح‌ریزی کرده است.

در نهایت آنچه چشم‌انداز این طرح است مشروعیت‌زدایی از تروریسم و اقدامات تروریستی، افزایش سطح آگاهی و در نتیجه کاهش گرایش‌های افراطی است که در بلندمدت و با رویکردی بردبارانه به کاهش ریشه‌ای تروریسم در جمهوری اسلامی ایران خواهد انجامید.

واژگان کلیدی

تروریسم، ضد تروریسم، فرهنگ، راهبرد فرهنگی، افراط‌گرایی

مقدمه

فرهنگ و اجتماع دو مقوله درهم تنیده‌اند؛ آنچه در اجتماع به وقوع می‌پیوندد، در بستر فرهنگ است. در واقع می‌توان میان هر یک از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگ رابطه‌ای علت و معلولی برقرار کرد؛ از این رو جامعه و فرهنگ دو عنصر جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند. امنیت به عنوان عنصری دیگر در ارتباط تنگاتنگ با این دو مفهوم است؛ به نحوی که امنیت، بقای فرهنگ و اجتماع را تضمین می‌کند و البته فرهنگ و اجتماع در شکل‌دهی و تعیین مفهوم امنیت ایفای نقش می‌کنند؛ به گونه‌ای که در جهان کنونی، دولت‌ها الگوهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را پشت سر گذاشته و روابط میان آنها غالباً بعد فرهنگی یافته است. به عبارت دیگر هر چه زمان به جلو پیش می‌رود، همه چیز بیش از پیش رنگ و بوی فرهنگی به خود می‌گیرد.

تروریسم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی^۱ که به جای نسبت داده شدن به افراد خاص، به جمع، اجتماع یا جامعه نسبت داده می‌شود و بدین لحاظ محصول زندگی جمعی انسان‌ها به حساب می‌آید (پناهی، ۱۳۹۱: ۲۸)، از این قاعده مستثنی نیست. ویلکینسون استدلال می‌کند که تبیین تروریسم باید در چارچوب اجتماعی، ایدئولوژی و اعتقاد تروریست‌ها متمرکز باشد. از دید وی، قوی‌ترین ابزار برای درک تروریسم کشف انگیزه‌های تروریسم و ارتباط آن با تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و اهداف گروه‌های درگیر است (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۹۹). شاهد این مطلب نیز ادعاهای فرهنگی و ایدئولوژیکی گروه‌های متعدد تروریستی، به ویژه گروه‌های تروریستی در غرب آسیاست. گرچه نمی‌توان تروریسم را پدیده‌ای کاملاً فرهنگی دانست، قسم مهمی از مسئله تروریسم مدرن و معاصر در اهداف، علل، روش‌ها و نتایج متأثر از جنبه‌های فرهنگی است (Serafim, 2005: 62).

حال که جهان به سمتی حرکت کرده که تروریسم به عنوان عامل محرکه تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره جایگزین پدیده‌های سیاسی شناخته شده مثل انقلابات، جنگ‌ها، کودتاها، شورش‌ها و غیره شده و زندگی سیاسی در سطوح مختلف آن را به چالش کشیده (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۵) و بدیهی است در آینده نیز با زندگی بشری عجین خواهد بود (Benjamin, 2008: 15)، باید از خود پرسید راه‌حل مقابله با این بحران چیست؟

یکی از عوامل مهم در مقابله با تروریسم نحوه درک این پدیده است؛ زیرا مستقیماً



در روش برخورد با آن مؤثر است. درک صحیح تروریسم نیازمند این است که بدانیم آیا میان تروریسم و بی‌عدالتی، فقر و غیره رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا تروریسم هشدار بر این گونه ناهنجاری‌هاست؟ آیا تروریسم حاصل برخی بی‌فکری‌ها و بی‌ملاحظگی‌های خود ماست؟ آیا تروریست‌ها نقادانی بر جامعه خود هستند؟

پاسخ به این سؤال‌ها هرچه باشد، آنچه واضح است، راه اشتباهی است که آنها در بیان خواسته‌های خود پیش گرفته‌اند. همان‌طور که گفته شد، تروریسم که همواره ریشه‌ای فرهنگی داشته، امروزه بیش از پیش متأثر از آن شده است. گروه‌های تروریستی متعدد اعتقادات، افکار و گرایش‌های تند و افراطی را دستمایه فعالیت خود قرار داده و با تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش، خرده‌فرهنگ‌هایی ناپه‌نجا را شکل داده‌اند. ابزار آنان برای رشد، استفاده از ناآگاهی، جهل، فقر و تعصب است؛ از این رو جوانان فقیر و بی‌سواد، آماده‌ترین اهداف برای استخدام توسط سازمان‌های تروریستی هستند؛ زیرا مساعدترین افراد برای تغییرند (Serafim, 2005: 73). آنچه درون افکار تروریست‌هاست، ممکن است درون افرادی دیگر به صورت بالقوه وجود داشته باشد. برای مواجهه با این چالش، مهم‌ترین عمل هدایت مردم به سمتی است که درکی هوشیارانه از این مسئله پیدا کنند (Benjamin, 2008: 16) و این مهم تحقق نمی‌یابد مگر از راه فرهنگ. بدین علت این دغدغه ایجاد می‌شود که مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی در مقابله با چنین تهدیدی چیست؟

آنچه در نوشتار حاضر دستمایه تحقیق قرار گرفته پاسخ به این سؤال است؛ بنابراین برای تحقق آن ضمن بررسی رابطه میان تروریسم و فرهنگ، طرحی جامع از راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم ارائه می‌شود.

چارچوب نظری

در ابتدای ورود به بحث لازم است مروری اجمالی به آنچه تروریسم نامیده می‌شود، انجام گیرد. واژه ترور از ریشه لاتین «ترس»^۱ به معنای ترساندن و ترس و وحشت است. واژه‌های تروریسم^۲ و تروریست^۳ واژه‌هایی نوپا هستند (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹). بر خلاف معنای روشن ترور در لغت، اختلافات فراوانی در ارائه تعریفی جامع از مفهوم تروریسم وجود دارد تا آنجا که گویی هر یک از مطرح‌کنندگان این تعاریف از پدیده‌ای

- 1 . Ters
- 2 . Terrorism
- 3 . Terrorist

متفاوت و مستقل سخن می‌گویند؛ از این رو تاکنون اجماعی درباره مفهوم تروریسم شکل نگرفته است. اما برای ایجاد مفهومی بین‌ذهنی لازم است برخی تعاریف به صورت مختصر بررسی شود. البته از این اندیشه که «یک تروریست از دید عده‌ای دیگر می‌تواند رزمنده‌ای آزادی‌خواه باشد»^۱ نباید غافل شد؛ به عبارت دیگر در تعریف و تقسیم‌بندی تروریسم نباید قضاوت‌های ارزشی را نادیده گرفت؛ زیرا امکان دارد افراد و گروه‌هایی از سوی یک دولت تروریست خوانده شوند، ولی دولت‌هایی دیگر آنها را مبارزان راه آزادی بدانند.

هافمن تروریسم را به منزله ایجاد و کاربرد عمدی ترس از طریق خشونت یا تهدید به خشونت به منظور تغییر سیاسی تعریف می‌کند (Hoffman, 1998). همچنین ربرتسن آن را بهره‌برداری سیاسی از خشونت به عنوان وسیله‌ای برای فشار بر حکومت یا جامعه به منظور پذیرش ایجاد تغییر سیاسی یا اجتماعی اساسی دانسته است (Robertson, 1993: 458). تروریسم اقدامی سازمان‌یافته و متضمن خشونت بسیار است که با حمله‌های غیرقابل پیش‌بینی علیه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها عملی می‌شود (امین‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۵). البته با آنکه تروریسم همواره با خشونت و اعمال خرابکارانه همراه است، جنایات سازمان‌یافته غالباً بدون خشونت محسوس انجام می‌گیرند و جز در موارد ضروری از این حربه استفاده نمی‌شود (سلیمی، ۱۳۸۲: ۴۴). اشمید نیز در تعریف خود از تروریسم که چکیده تعاریف متعدد است، آن را شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت می‌داند که به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود (Schmid, 1993: 8). برخی نیز در تقسیمی نه چندان دقیق تروریسم را به دو قسم نامشروع و مشروع تقسیم کرده‌اند. خشونت تروریسم در نوع اول مشتمل بر آدم‌ربایی، شکنجه و کشتار است و در قسم دوم، اقداماتی مانند مبارزات آزادی‌خواهانه و ملی‌گرایانه یا عدالت‌طلبانه را شامل می‌شود (Barak, 2004: 37). بدین ترتیب در جمع‌بندی، پنج عنصر در همه دیدگاه‌ها مشترک است: تکرار،^۲ انگیزه،^۳ قصد،^۴ عاملان^۵ و تأثیر^۶ (بدی، ۱۳۷۸: ۲۴۷).

1 . One man's terrorist is another man's freedom fighter.

2 . Repetition

3 . Motivation

4 . Intent

5 . Actors

6 . Effect



هدف یک عمل تروریستی ممکن است تغییر رژیم، قلمرو یا سیاست، کنترل اجتماعی یا حفظ وضع موجود باشد (اقتباس از حاجانی و ضمیری، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷). به سخن دیگر، تلاش تروریست‌ها برای تحصیل اثبات منافع خود در فرایند پیچیده تصمیم‌گیری، همان فرایند سیاست است؛ یعنی «چه کسی چه چیزی را، چه هنگام و چگونه بگیرد». آنها به دنبال وادار کردن دولت‌ها و نهادها به توجه به بی‌عدالتی‌های واقعی یا متصوره اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یا به دنبال تأثیر گذاشتن بر وضعیت خود در محیط پیرامون‌شان هستند (بدی، ۱۳۷۸: ۲۵۴). تروریست‌ها خواهان نفوذ در رفتار دیگران هستند؛ آنها از هراس برای برانگیختن واکنش استفاده می‌کنند (بدی، ۱۳۷۸، ۲۵۵). در نهایت می‌توان در بیانی موسع از تروریسم برای رسیدن به اجماعی ذهنی گفت: تروریسم به هر گونه عملی گفته می‌شود که به قصد حذف فیزیکی، شخصیتی و صدمه به افراد، تخریب و انهدام مراکز و تأسیسات حیاتی، حساس و مهم توسط سازمان‌های رسمی و غیررسمی افراطی انجام می‌گیرد و هدف آن ارباب مخالفان یا وادار کردن آنها به تغییر عقیده، انجام یک عمل یا اجتناب از انجام آن عمل است.

اینکه سیر تحول تروریسم چگونه بوده از حوصله این پژوهش خارج است؛ اما تروریسم در قرن بیستم تقریباً اهداف سیاسی واضح و مشخصی داشت و از ابزار کشتار جمعی بی‌بهره بود و بسیاری از گروه‌های تروریستی توسط حکومت‌ها کنترل و حمایت می‌شدند. در سال‌های پایانی قرن بیستم، این گرایش تغییر کرد و گروه‌های تروریستی بر پایه اعتقادات دینی شکل گرفتند که هم خوب آموزش دیده بودند و هم از بعد اعتقادی بسیار غنی شده بودند. بنابراین انگیزه‌های تروریست‌ها از انگیزه‌های محدود سیاسی به انگیزه‌های نامحدود و انتقام‌جویانه تغییر ماهیت داد و پاداش آن، جهان آخرت معرفی شد (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۵۳). بنابراین می‌توان مدعی شد در سال‌های پایانی قرن بیست تاکنون مقوله تروریسم به مسائل ایدئولوژیک و گفتمانی گره خورده است که به بیانی موسع می‌توان آن را فرهنگ نامید. تروریسم که نمادی است دربردارنده ترس، زوال و مداخله بین‌المللی، از مفهوم و کارکرد شیوه‌ای برای مبارزه بسط یافته و به یک اندیشه و «سبک زندگی» تبدیل شده است (Altheide, 2007: 293).

برای بررسی رابطه میان تروریسم و فرهنگ لازم است مفهوم فرهنگ بررسی شود. فرهنگ، نظامی است متشکل از اجزای مادی و غیرمادی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها، نمادها و آداب و رسوم، هنر و میراث‌های فرهنگی و نگرش‌های یک گروه، جامعه یا ملت که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر منتقل و سبب رشد و



تعالی انسان‌ها می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۷: ۱۵). در واقع رابطه فرهنگ و جامعه چنان درهم‌تنیده است که طبق گفته گیدنز، هیچ فرهنگی نمی‌تواند بدون جامعه وجود داشته باشد؛ همان‌گونه که هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ وجود ندارد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۶). بنابراین هر پدیده مرتبط با فرد یا جامعه مستقیماً با فرهنگ نیز در ارتباط است. اینکه مردم به چه می‌اندیشند، چگونه می‌اندیشند و نحوه مواجهه آنان با رویدادها و پدیده‌ها چگونه است، همگی متأثر از فرهنگ است. بدین معنی حتی تروریست‌ها نیز محصول فرهنگ هستند (Serafim, 2005: 61). در تشریح این مدعا باید گفت تروریسم حاصل نفرت‌های دگماتیستی یا نادانی افراد غیرمعقول که به طور تصادفی اتفاق افتاده باشد، نیست؛ زیرا تروریسم در فرایند رسیدن به هدف خود محاسبه‌گرایانه عمل و سعی می‌کند با تحمل کمترین هزینه، بیشترین خسارت را بر طرف متقابل وارد کند (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۶۱). از سوی دیگر، اقدام تروریستی با هیچ توجیه اخلاقی، فرهنگی، مذهبی و قومی از هیچ گروهی پذیرفتنی نیست (اقتباس از: Crenshaw, 2000: 2). به عبارت دیگر، تمام جوامع در این حقیقت که تروریسم پدیده‌ای منفی، مذموم و خانمان‌سوز است، اتفاق نظر دارند؛ لذا همگی برآنند این پدیده چندبعدی را ریشه‌کن کنند. در این صورت چگونه تروریسم در فرهنگ ریشه دارد؟ جواب در نسبیت عقلانیت و ارزش‌ها در فرهنگ‌های مختلف است. آنچه تروریسم خوانده می‌شود، در فرهنگ‌های مختلف فهم و کاربرد متفاوتی دارد؛ از این رو افکار و اعمال تروریست‌ها با یکدیگر متفاوت است (Serafim, 2005: 62). مسلم است که هیچ تروریستی خود را تروریست نمی‌داند، بلکه مخاطبان خود را خاطی و جنایتکار می‌انگارد. بنابراین فرهنگی که منجر به تروریسم می‌شود، نه فرهنگ به معنای متداول و غایی، بلکه برخی خرده فرهنگ‌هاست که مصداق امروزی آن افراط‌گرایی^۱ است. این دست تفکرات همیشه در حد خرده فرهنگ می‌مانند؛ زیرا اساساً در طول تاریخ هیچ فرهنگی را نمی‌توان یافت که بر پایه افراط (یا تفریط) در ارزش‌های خود بنا نهاده شود و پایدار بماند. افراط‌گرایی به مثابه خرده فرهنگ، یکی از بارزترین و اصلی‌ترین دلایل گرایش به تروریسم است. افراط‌گرایی در واقع هر عمل و نظر سیاسی و اجتماعی را که خواهان تغییرات فوری و قاطع در نهادهای اجتماعی موجود باشد، دربرمی‌گیرد (آشوری، ۱۳۶۸: ۹۹). افراط‌گرایی را می‌توان ریشه و منشأ اصلی تروریسم دانست، زیرا آن‌گاه که در پی تحقق و عملی کردن مطالبات خود باشد، هیچ ابایی از حرکت به



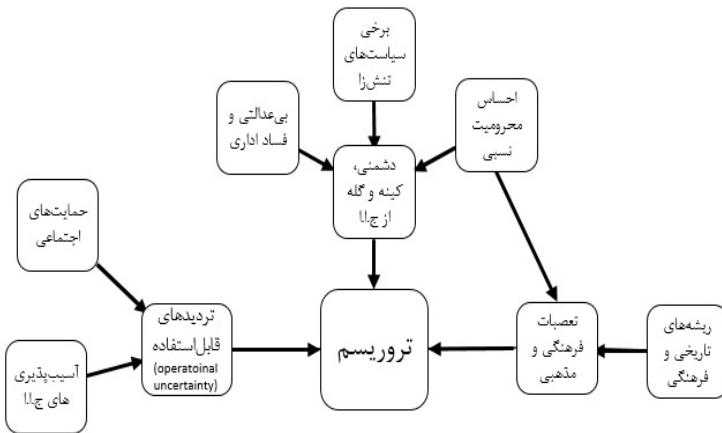
سمت خشونت سیاسی سازمان یافته و به طور مشخص تروریسم ندارد و دیر یا زود در آن در می‌غلطد (حاجیان، ۱۳۹۲: ۱۵). در واقع تروریسم سازمان‌های رادیکال به عنوان بازیگران اصلی این نمایشنامه‌های تروریستی به ایفای نقش می‌پردازند. این گروه‌های سازمان یافته با برخورداری از علایق و ارزش‌های جمعی، از میان سایر گزینه‌های قابل تصور، تروریسم را در قالب تعقل جمعی به عنوان یک شیوه عمل انتخاب می‌کنند (رایش، ۱۳۸۱: ۱۱). نکته جالب اینکه افراط‌گرایی برخلاف تبلیغات سوء، فعلی مختص ایدئولوژی خاص نیست؛ ایدئولوژی‌های ابزاری و افراطی که در آن هدف وسیله را توجیه می‌کند یا نفرت از عموم یک یا چند جامعه، نژاد، ملت، قومیت، دین یا مذهب و مردمان آن پایه و اساس اعتقادات و رفتارهای آنان را تشکیل می‌دهد، استعداد بالایی در انجام اقدامات تروریستی دارند. هر ایدئولوژی که چنین خصوصیتی داشته باشد، ممکن است استعداد تروریست شدن هم داشته باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۶۷ و ۲۶۸).

حال که تروریسم معاصر بیش از هر زمان دیگر خاستگاه و ذات فرهنگی دارد و البته همین دلیل (تفاوت بین فرهنگ‌ها) فرایند رشد و پیشرفت تروریسم را تسهیل می‌کند، تلاش برای مقابله با تروریسم بدون توجه به ریشه‌های فکری، فرهنگی و مذهبی محکوم به شکست خواهد بود (اقتباس از: Serafim, 2005: 61). از این رو هرگونه اقدام مقابله‌ای با تروریسم باید به درستی مؤلفه‌های فکری و فرهنگی تروریسم (و گروه تروریستی) را دریابد و سپس به رویارویی با آن بپردازد. به استناد آنچه بیان شد، اساسی‌ترین، اصولی‌ترین و اصلی‌ترین راهبرد در مقابله با تروریسم، راهبرد فرهنگی است. بدان علت که جنایت و وحشت‌آفرینی و آنچه ترور خوانده می‌شود، ترس فلج‌کننده شدید یا بیم از آن است که آگاهانه و به صورت سمبلیک و نمادین برای نفوذ بر یک شخص یا گروه هدف صورت می‌گیرد (اقتباس از: هنل، ۱۳۸۳: ۱۳۶). به بیان دیگر، وحشت پوسته‌ای برای تروریسم و نشانه و هشدار برای ابراز یک نارضایتی است. فارغ از آنکه مطالبه یک تروریست چیست، آنچه اهمیت دارد و واضح است نحوه بیان اشتباه است که متأثر از همان فرهنگ افراطی است. بدین علت راهبرد فرهنگی ضد تروریسم باید هم تروریست‌ها را از اشتباه درآورد و هم مانع گرایش افراد دیگر به این نحوه ابراز مطالبه شود. پژوهش حاضر نیز بر همین مبنا طرحی جامع مشتمل بر راهبردهای فرهنگی را یکی از کارآمدترین راهکارهای مقابله با تروریسم می‌داند، گرچه ادعان دارد راهبرد فرهنگی به تنهایی نمی‌تواند تروریسم را ریشه‌کن سازد.

طرح راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم در جمهوری اسلامی ایران با توجه به



مقتضیات اجتماعی و فرهنگی کشور و با نگاهی ریشه‌یابانه به پدیده تروریسم، به مقابله با آن برآمده است. بدین علت نمودار ۱ که علل فرهنگی- اجتماعی گرایش به تروریسم انگاشته شده، مبنای راهبردننگاری قرار گرفته است.



نمودار ۱- علل فرهنگی گرایش به تروریسم (Davis & Jenkins, 2002: 17)

روش‌شناسی

از آنجا که هدف پژوهش حاضر ارائه چارچوبی راهبردی برای مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران است، ناگزیر باید ریشه‌های گرایش به تروریسم و افراط‌گرایی بررسی شود. در واقع این نوشتار علل گرایش به افراط‌گرایی را در مطالعات جامعه‌شناختی، روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی و مدیریت جست‌وجو می‌کند. به طور سنتی در علوم اجتماعی این نظریه‌ها را ذیل عنوان رویکرد (یا پارادایم) تضاد یا تعارض^۱ یاد می‌کنند؛ افزون بر اینها، این رویکردها طی سالیان اخیر ذیل ادبیات جامعه‌شناسی تروریسم یا جامعه‌شناسی خشونت مطرح شده است. علاوه بر این، نویسندگان تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از روش فرا تحلیل^۲، به بررسی و جمع‌بندی مجموع مطالعات انجام‌شده درباره علل خشونت سیاسی و تروریسم در دنیا بپردازند. با این حال در تحلیل نهایی، هدف مقاله پیش رو ارائه مدلی ترکیبی از راهبردهای فرهنگی مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی است که روش آن مرور

1 . Conflict

2 . Meta-analysis



ادبیات است. تلاش شده است با تأمل در برخی پژوهش‌های پراکنده درباره تروریسم و افراط‌گری، به غنای مدل نظری مورد بحث افزوده شود.

راهبردنگاری فرهنگی در حوزه تروریسم

نگارش راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم در جمهوری اسلامی ایران مستلزم آشنایی با موضوعات راهبردی در این حوزه است. بدین ترتیب، نگرانی از شرایط اجتماعی و فرهنگی و نگرش‌های ادیان، مذاهب و اقوام مختلف درون کشور و حاشیه مرزها، تمایل یافتن آنها به ارزش‌ها، اسطوره‌ها^۱ و ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه و خشونت سیاسی، افزایش نارضایتی و احساس تبعیض و محرومیت نسبی^۲ در گروه‌های اقلیتی و حاشیه‌ای و غیره را می‌توان از موضوعات راهبردی مطرح در حوزه فرهنگی قلمداد کرد. از آنجا که مسائل استراتژیک در حوزه تروریسم در دو زمینه کلی ضد تروریسم راهبردی و ضد تروریسم تاکتیکی تقسیم‌بندی می‌شوند، ضروری است جایگاه راهبردهای فرهنگی مشخص شود تا درکی صحیح از آن به منظور نگارش به دست آید. در ضد تروریسم راهبردی از بین بردن زمینه‌ها و شرایط مستعد تروریسم مانند زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و غیره برای جلوگیری از بازتولید تروریسم، تغییر محیط رشد تروریسم و از بین بردن نیروهای تازه‌نفس در دستور کار قرار می‌گیرد. همچنین از اینکه گروه‌های جدیدی وارث یا جانشین گروه‌های تروریستی منهدم‌شده قبلی نمی‌شوند، اطمینان حاصل می‌شود. ضد تروریسم تاکتیکی نیز به مقابله با حملات و عملیات تروریستی با اقدامات اطلاعاتی، انتظامی، قضایی، دیپلماتیک و غیره و طراحی عملیات ضد تروریستی به صورت واکنش‌های سریع و مؤثر برای مقابله می‌پردازد. بدیهی است آنچه در حوزه راهبردها و راهکارهای فرهنگی مقابله با تروریسم قرار دارد، ذیل ضد تروریسم راهبردی تعریف می‌شود.

اشاره به این مطلب ضروری است که گرچه راهبردها و سیاست‌های فرهنگی در مقابله با تروریسم غالباً کنش‌گرا و پیش‌دستانه است، موجب حذف فیزیکی تروریست‌ها یا به عبارت دیگر، نابودی کامل تروریسم نمی‌شود. در واقع مجموعه راهبردهای فرهنگی می‌تواند باعث کاهش حمایت مردم از اقدامات تروریستی و مانع جذب نیروهای جدید در گروه‌های تروریستی و سایر نتایجی از این دست شود، اما به تنهایی



1 . Myths

2 . Relative Deprivation (RD)

قادر به از بین بردن تروریسم نیست. این راهبردها زمانی کاملاً مؤثر واقع می‌شوند که در متن رهیافتی چندبعدی گنجانده شوند؛ یعنی شامل ابعاد سیاسی، نظامی و روابط اجتماعی گسترده باشند. اگر این شرایط تحقق یابد، احتمالاً این سیاست‌ها می‌توانند تروریسم را کاهش دهند (اقتباس از: کراین و شالک، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۹).

از سوی دیگر در راهبردنگاری فرهنگی ضد تروریسم نباید از این نکته غافل شد که چه اهداف و چشم‌اندازهای^۱ فرهنگی در پس این راهبردهاست. به همین دلیل به منظور ارائه اهداف عینی و قابل سنجش و بیان نماگرها (با شاخص‌های) قابل اندازه‌گیری و کنترل (یا پایش) مستمر مفاد راهبرد پیش رو، شاخص‌های ذیل به عنوان اهداف در نظر گرفته شده است: کاهش گرایش به خشونت سازمان‌یافته، تروریسم و افراطی‌گری در کشور (با روش‌های پیمایشی)؛ کاهش تعداد (فراوانی) گروه‌های متمایل به خشونت سیاسی، تروریسم، رادیکالیسم یا افراط‌گری و تبدیل آنها به گروه‌های رسمی و قانونی (با احصای مواضع و رفتار گروه‌ها)؛ کاهش فعالیت‌های تروریستی و از بین بردن فرصت‌های گروه‌های تروریستی (با شمارش رویدادها و اندازه‌گیری حجم و شدت و اندازه آنها)؛ کاهش پیامدهای فعالیت‌های تروریستی در ابعاد روانی و سیاسی (با بررسی شواهد و قرائن). بدین ترتیب طرح راهبردی قادر خواهد بود با سنجش عملکرد خود، صحت اجرای آن را واریسی کند.

راهبرد فرهنگی ضد تروریسم شامل ویژگی‌های دیگری است که برخی از آن به شرح زیر است: راهبردها (طرح‌ها و برنامه‌ها) باید نتیجه‌محور^۲، مشارکتی^۳ (با مشارکت تمام نهادهای دولتی و مردمی پیگیری و اجرا شوند)، واضح^۴ و مشخص، آینده‌محور^۵ خودارزیابانه^۶ (قابل سنجش و ارزیابی باشند) و خلاقانه^۷ (مطابق شرایط بومی، محلی و اقتضات کشور و ظرفیت‌ها و منابع در دسترس طراحی شوند) باشند. مبانی فکری این طرح و اجزای آن مشتمل بر آرا و اندیشه‌ها و فرامین امام خمینی(ره) و دکترین ایشان در مقابله با جریان‌های تروریستی در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی؛ آرا، فرامین و دیدگاه امنیتی رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله)؛ اصول و اسناد بالادستی مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و نیز تجارب

- 1 . Vision
- 2 . Results-focused
- 3 . Collaborative
- 4 . Bold
- 5 . Future-oriented
- 6 . Self-evaluating
- 7 . Innovative



موفق و گران بهای سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط در کشور طی بیش از سه دهه گذشته است. افزون بر این‌ها با عطف توجه به اشتراک مسئله تروریسم و ضد تروریسم در بسیاری کشورهای جهان و لزوم بهره‌مندی کامل از تجارب آنان و در نهایت تدابیر رسمی دولت‌های دیگر، از این منابع نیز استفاده شده است.

همچنین راهبرد فرهنگی توأمان به منابع مولد تروریسم در هر سه حوزه توجه دارد: ۱. رویه‌ها، رویکردها و سیاست‌ها درون نظام سیاسی که از سوی بعضی مراکز تصمیم‌گیری رسمی و مراجع خودی موجب تروریسم می‌شود. ۲. شرایط محیطی بیرون از نظام و در محیط ملی؛ ۳. محیط خارج از کشور. در راهبرد فرهنگی برای حذف و تعدیل عملکردهای منفی و مخرب و مشوق تروریسم از سوی این منابع سه‌گانه هم‌زمان تلاش می‌شود.

در جمع‌بندی طرح راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم باید گفت این طرح بر آن است که به راهبردهای کلان (سیاست‌های ملی) زیر نائل آید:

۱. بر اساس ویژگی‌های ذاتی نظام جمهوری اسلامی ایران، تدابیر ضد تروریستی باید ماهیت بردبارانه، توأم با رأفت اسلامی و درازمدت داشته باشد و با تفکیک مردم عادی یا حتی حامیان ضمنی (افکار عمومی همراه) تروریست‌ها - از اعضای شبکه‌های تروریستی - همراه باشد.

۲. تدابیر ضد تروریسم تلاش خواهد کرد به طور کلی عموم شهروندان را از توسل به زور، خشونت، افراطی‌گری و تمایل به تروریسم منصرف سازد (مشروعیت‌زدایی از تروریسم). بدیهی است تحقق این مهم منوط به درک عمیق رفتار تروریستی است.

۳. سوگیری اصلی طرح راهبردی «کاهش فرصت برای ادامه اقدامات تروریستی» است که با از میان بردن منابع و ابزارهای شبکه‌های تروریستی از یک سو و فرهنگ‌سازی و ایجاد اجماع عمومی علیه تروریسم از سوی دیگر پیگیری می‌شود.

۴. تمرکز سیاست‌ها بر گروه‌های تروریستی و حذف ریشه‌ها، منابع تغذیه، نیروی انسانی، منابع مالی و ارتباطی، لجستیکی و حمایت‌های عمومی از گروه‌های تروریست و تضعیف هویت و ایدئولوژی آنها؛

۵. توجه یکسان به وظایف نهادهای حاکمیتی، مدنی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، نخبگان رسمی و غیررسمی، حوزه‌های علمیه و عموم مردم و تقسیم کار میان آنها (بر مبنای تفکر ماتریسی) در مقابله با تروریسم؛

۶. بهره‌گیری از راهبردهای سخت و نرم و تلفیق هوشمندانه توانایی‌های موجود با هدف یکپارچه و همگرا کردن منابع قدرت نظام علیه تروریسم؛



۷. توجه ویژه به ریشه‌های قومی و مذهبی تروریسم در ایران و متمایل کردن گرایش‌های افراطی به اعتدال‌گرایی؛

۸. لزوم استفاده از تمام ظرفیت‌ها و منابع بومی و سنتی برای کاهش سرچشمه‌های تروریسم؛

۹. مهندسی اجتماعی و نوسازی سازمان اجتماعی برای حذف ساختارهای تولیدکننده خشونت؛

۱۰. مبارزه با تروریسم مبارزه‌ای درازمدت (طولانی‌مدت) و مستمر است؛ بنابراین تغییر ادبیات ضد تروریسم در محافل و مراجع رسمی و افکار عمومی و تلقی از آن به عنوان «مقابله‌ای طولانی‌مدت» ضروری است.

۱۱. سیاست‌های ضد تروریستی باید در سطح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی تدوین شوند.

باید یادآورد شد در این راهبرد، فعالیت‌ها و اقدامات حق‌طلبانه و ضد استکباری مسلمانانی که برای مبارزه با دولت غاصب اسرائیل و دفاع مشروع از خود چاره‌ای جز اتخاذ راهبرد متعالی «جهاد و شهادت» ندارند، ذیل مفهوم تروریسم نمی‌گنجد.

مختصات و مبانی راهبردهای فرهنگی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس تجارب جهانی و داخلی و نظریه‌های پذیرفته‌شده در حوزه ضد تروریسم و توجه توأمان بر چند نظریه مهم برای مقابله با تروریسم است. بر این اساس تروریسم پدیده‌ای چندبعدی و دارای ماهیت، ابعاد، علل و جهات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی است. توجه این راهبرد معطوف همگرایی و صلح فرهنگی، اهمیت علم، آموزش و فرهنگ، توسعه علمی - آموزشی، توجه و به رسمیت شناختن تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی، لزوم شناخت فرهنگ‌های دیگر و لزوم تفاهم فرهنگی است. در واقع پیش‌فرض این طرح آن است که تروریسم معلول فرهنگ، ایدئولوژی، جهانی‌بینی، آموزه‌ها و ارزش‌هایی افراط‌گرایانه و بی‌ثبات‌کننده است. علاوه بر این، مفاد راهبردهای فرهنگی مقابله با تروریسم با این پیش‌فرض تنظیم می‌شود که ترور، رفتاری بزهکارانه، مجرمانه و انحرافی است که به صورت سازمان‌یافته، پیچیده و تشکیلاتی و با اهداف سیاسی رخ می‌دهد. بنابراین اتخاذ رویکردها و راهبردهای جامعه‌شناختی برای ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی در سطح فردی و سازمانی (اجتماعی) لازم است. به این ترتیب در سطح فردی با بروز گرایش‌های رادیکال و افراطی مقابله و در سطح سازمانی و اجتماعی با تشکل‌ها و سازمان‌های تروریستی برخورد می‌شود. همچنین نویسندگان



معتقدند تروریسم بویژه در ایران، ذاتی و ساختاری نیست و تا حد زیادی تحت تأثیر مداخلات خارجی و منطقه‌ای است. از سوی دیگر مقابله با تروریسم نیازمند تشریح مساعی تمام نهادهای ذی‌ربط است؛ بنابراین امکان مقابله با آن وجود دارد. در نهایت و مهم‌تر از همه آنکه آموزه‌های دینی و فرهنگ غنی شیعی مهم‌ترین مبنای فکری راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم هستند. در بینش دینی و اسلامی که مبنای عمل در جمهوری اسلامی است، خشونت‌طلبی، افراط‌گری و تندروی در هر شکل و با هر هدفی نابهنجار تلقی می‌شود و با رویه‌ها و سنت مألوف رسول گرامی اسلام(ص)، ائمه اطهار و اهل بیت نبی مکرم (علیهم السلام) و مراجع بزرگ تقلید مغایرت دارد.

محیط‌شناسی و برآورد وضعیت فرهنگی کشور برای مقابله با تروریسم

محیط‌شناسی، برآورد و شناخت وضعیت موجود هر پدیده، مقدمه‌ای ضروری در نگارش راهبردهای مد نظر درباره آن است. محیط‌شناسی و برآورد وضعیت در هر حوزه‌ای مستلزم شناخت آسیب‌ها و چالش‌ها و از سوی دیگر توانایی‌ها و فرصت‌های پیش‌روست. بدین ترتیب، نگارش راهبردهای فرهنگی ضد تروریستی نیازمند شناخت و آگاهی صحیح از شرایط و محیط فرهنگی آن است؛ بنابراین در بخش آسیب‌ها و چالش‌ها و توانایی‌ها و فرصت‌ها به بررسی وضعیت موجود در حوزه فرهنگی پرداخته خواهد شد.

آسیب‌ها، چالش‌ها، ضعف‌ها و مشکلات پیش روی راهبرد فرهنگی ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد: آسیب‌ها و چالش‌هایی مانند تلاش جدی و کافی نداشتن برای تعدیل، فرسایش یا خشکاندن گرایش‌های افراط‌گرایانه و رادیکال قومی، مذهبی و سیاسی؛ بی‌توجهی به ریشه‌ها و دلایل و اهداف گروه‌های تروریستی؛ استفاده نکردن از ظرفیت‌های نظام دانشگاهی کشور؛ نداشتن اجماع درباره تروریسم در فرهنگ عمومی شهروندان و آگاهی ضعیف افکار عمومی و مردم از اهمیت و ضرورت و امکان مقابله با آن؛ امکان رشد گرایش‌های افراطی در مراکز مذهبی مهم کشور (بین شیعیان و اهل سنت)؛ هجمه فرهنگی گسترده گروه‌های افراطی خارج از کشور و تلاش برای اقناع قشرهای مختلف در پیوستن به آنان و غیره. از سوی دیگر مهم‌ترین ضعف‌ها و مشکلات محیطی را باید شامل عواملی مانند زمینه‌های اصلی تروریسم از جمله احساس محرومیت، احساس تمایز قومی و مذهبی، ناامیدی از آینده و غیره - که در کشور تداوم خواهد یافت- و اهمیت یافتن حریم خصوصی، حرمت آزادی‌های مدنی، افزایش انتظارات شهروندان از نظام



و اهمیت‌یابی حقوق شهروندی دانست زیرا همگی مانع استفاده آزادانه دستگاه‌ها از ابزارهای سنتی علیه تروریسم می‌شوند. در کنار این ضعف‌ها و چالش‌ها، نظام کشور از نقاط قوت و توانایی‌هایی در حوزه مقابله فرهنگی با تروریسم برخوردار است که بدان پرداخته خواهد شد.

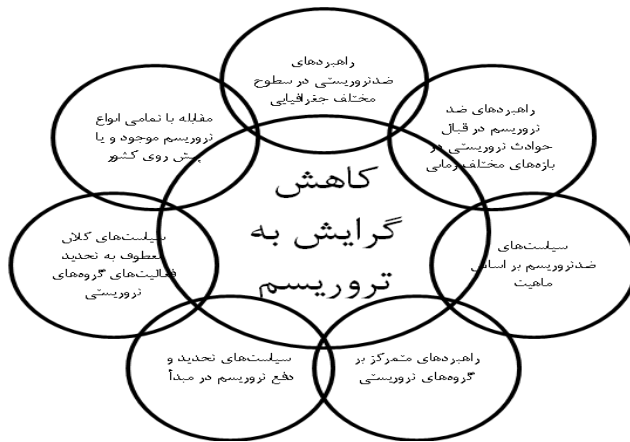
توانایی‌ها و مقدرات جمهوری اسلامی ایران در بعد فرهنگی مبارزه با تروریسم، با توجه به تمدن اسلامی و ایرانی، فراوان است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: رهبری داهیانه و حکیمانه رهبر معظم انقلاب و اقتدار، صلابت و اشراف معظم له بر امور و مسائل امنیتی کشور؛ امکان جلب مشارکت عمومی (مردم، نهادهای مدنی، علمای شیعه و سنی، ریش‌سفیدان و بزرگان اقوام و طوایف، احزاب و گروه‌های سیاسی فعال در سطح ملی و محلی و ...)؛ حاکمیت و استقرار نسبی برخی ویژگی‌های مهم فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی و اخلاقی در عموم مردم ایران مانند نوع‌دوستی، اخلاق‌مداری، تحمل‌پذیری، مدارا، دگردوستی، وطن‌دوستی، دینداری، ضدیت با بیگانگان، ولایت‌مداری، عرفان‌گرایی و معنویت‌خواهی، صبر، توکل، استقلال‌خواهی و ... که بن‌مایه و اساس هرگونه راهبرد ضد تروریستی هستند. این ویژگی‌ها مبین ضعف فرهنگ افراط‌گرایی، رادیکالیسم، خشونت‌طلبی و گرایش به ترور و خشونت سازمان‌یافته در ایران است. در واقع روحیه و ذهنیت خشن، تندروی، سبّیت و رفتارهای تند پرخاشگرانه - به حسب شواهد تاریخی متعدد - در جامعه ایرانی در مقایسه با جوامع دیگر کمتر بوده است که مهم‌ترین نشانه آن مدارا و نبود حساسیت بین‌فرهنگی میان شیعه و سنی و نیز رابطه مناسب مسلمانان با اهل کتاب و رابطه میان اقوام ایرانی با یکدیگر و در نهایت رابطه ایرانیان با شهروندان و توریست‌های خارجی و مشخصاً انبوه مهاجران افغانی و عراقی بوده است. این ویژگی‌ها مهم‌ترین عامل رفق و روابط مسالمت‌آمیز و مانع جدی رشد تحرکات تروریستی در ایران محسوب می‌شوند.

راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم در جمهوری اسلامی ایران

طرح راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم تلاش دارد جامع و مانع باشد؛ از این رو راهکارهای فرهنگی ضد تروریسم را از ابعاد گوناگون به بحث گذاشته است. در نهایت با دسته‌بندی آنها بر اساس سنخیت و موضوعیت این راهبردها، به نگارش آنها پرداخته است. بدین ترتیب طرح جامع راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم شامل هفت سرفصل است که ذیل هر یک راهبردها و سیاست‌های جزیی آمده است. هفت سرفصل طرح جامع به شرح زیر است که نمایی از آنها در شکل ۲ آمده است:



۱. راهبردهای ضد تروریستی در سطوح مختلف جغرافیایی؛
۲. راهبردهای ضد تروریسم در قبال حوادث تروریستی در بازه زمانی مختلف؛
۳. سیاست‌های ضد تروریسم بر اساس ماهیت؛
۴. راهبردهای متمرکز بر گروه‌های تروریستی؛
۵. سیاست‌های کلان معطوف تحدید فعالیت‌های گروه‌های تروریستی؛
۶. سیاست‌های تحدید و دفع تروریسم در مبدأ (و اجازه ندادن به ارتقا و گسترش افقی یا عمودی آن)؛
۷. مقابله با تمام انواع تروریسم موجود یا پیش روی کشور.



شکل ۲- طرح جامع راهبرهای فرهنگی ضد تروریسم

در ادامه هر یک از این سرفصل‌ها به بحث گذاشته خواهد شد.

۱. راهبردهای ضد تروریستی در سطوح مختلف جغرافیایی

الف) سیاست‌های محلی - خرد

- گسترش سطح سواد و آگاهی‌های عمومی؛
- فقرزدایی، محرومیت‌زدایی، توسعه اقتصادی- اجتماعی و افزایش رفاه عمومی؛
- کاهش شکاف‌های متقاطع قومی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی.

ب) سیاست‌های ملی

- تقویت نهادهای اجتماعی معتدل؛
- افزایش مشارکت سیاسی برای سوق ندادن نسل جدید به سمت رادیکالیسم؛
- کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای؛

ج) سیاست منطقه‌ای - خارجی

- همکاری‌های بین‌دولتی برای تقویت و بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی؛

- همکاری‌های بین‌دولتی برای تقویت تبلیغات بین‌المللی علیه تروریسم و تقبیح افراط‌گرایی.

۲. راهبردهای ضد تروریسم در قبال حوادث تروریستی در بازه‌های زمانی مختلف

الف) پاسخ‌های اولیه و فوری (بلافاصله بعد از وقوع حوادث): پاسخ‌های مترتب بر ایجاد امنیت فیزیکی

- تسکین درد و رنج قربانیان و سایر شهروندان؛

- بازگرداندن اوضاع به حالت عادی در اسرع وقت.

ب) پاسخ‌های ثانویه (برای کاهش پیامدهای حوادث): مترتب بر ایجاد امنیت روانی

- واکنش هماهنگ تمام نهادها و جریان‌ها در محکومیت و سرکوب عوامل ترور و

تقبیح اقدامات تروریستی؛

- اطمینان‌بخشی به افکار عمومی مبنی بر کنترل و اشراف نهادهای امنیتی کشور

بر محیط پیرامون؛

- تسهیل و سرعت‌بخشی تحقیقات درباره حادثه و بازتاب اقدامات صورت گرفته.

ج) پاسخ‌های ریشه‌ای و تدوین تجارب: مترتب بر ارتقای ثبات و امنیت ملی

- شناسایی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ظهور و رشد تروریسم؛

- اصلاح نظام حقوقی و فرایندهای سیاسی - اجتماعی برای پیشگیری از حاشیه‌ای

شدن گروه‌های پیرامونی.

۳. سیاست‌های ضد تروریسم بر اساس ماهیت

الف) اقدامات و طرح‌های نرم (روانی، مذهبی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و سیاسی)

- مشروعیت‌زدایی از حرکت‌های افراطی و رادیکال در افکار عمومی؛

- ایجاد زمینه لازم برای فعالیت نهادهای مدنی و صنفی قانونی برای طرح مطالبات؛

- تعدیل شکاف‌های طبقاتی، منطقه‌ای و پیشگیری از تبعیض و تحقیر گروه‌های

محروم.



ب) اقدامات و طرح‌های رسانه‌ای و تبلیغی

- تقبیح حرکت‌های افراطی و گروه‌های ترور؛
- اقناع افکار عمومی برای پذیرش مقابله قاطع با حرکت‌های تروریستی؛
- جلوگیری از تبلیغ و ترویج تفکرات افراطی و رادیکال علیه نیروهای مذهبی و اجتماعی متعادل.

۴. راهبردهای متمرکز بر گروه‌های تروریستی

- الف) از بین بردن ریشه‌های (علّی) تروریسم از لحاظ فرهنگی، روانی، مذهبی و اجتماعی
- دامن زدن به برخی تبعیض‌های فرهنگی، مذهبی و اقتصادی و نیز احساس تبعیض یا محرومیت؛
 - تقویت همبستگی ملی (همبستگی اجتماعی) مبتنی بر پارادایم ایجابی؛
 - توجه به تنوع فرهنگی، حفظ بیان‌های فرهنگی و چندجانبه‌گرایی؛
 - اصلاح رویه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و ابتنای هرچه بیشتر آنها بر مشارکت‌های عمومی؛
 - اتخاذ نگاه اسلامی به امنیت و پرهیز از رویکردهای صرف رئالیستی و نئورئالیستی که بر قدرت و دولت و مراجع رسمی استوار است.
 - توسعه‌یافتگی اجتماعی - فرهنگی مناطق خشونت‌خیز؛
 - ایجاد فرصت تعامل و ارتباط متقابل بین روشنفکران ملی و محلی و رواج فرهنگ گفت‌وگو؛
 - گسترش مؤسسات فرهنگی و نهادهای فکری و اندیشگی در شهرها و روستاهای مستعد تروریسم یا دارای سابقه افراط‌گری و ترور؛
 - حمایت از انتشار مجلات و فصلنامه‌های فکری - فرهنگی متعادل و غیرافراطی؛
 - حمایت از فعالیت انجمن‌های فکری، ادبی و هنری، گسترش کتابخانه‌های عمومی، تأسیس فرهنگسراها در سطح مناطق مستعد؛
 - ارتقای شاخص‌های «حکمرانی خوب» در سطح ملی و محلی (پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، کنترل فساد، کارایی، افزایش مشارکت شهروندان، قانون‌مداری، صیانت از حقوق شهروندی و...).



ب) حذف منابع تغذیه (عضوگیری) و کاهش جذب نیروی انسانی گروه‌های تروریستی با تأکید بر مناطق مستعد تروریسم

- کاهش فقر و کم‌سوادی و ناآگاهی؛

- ایجاد فضای بحث، گفت‌وگو، مشارکت و نقد عمومی درباره برنامه‌های توسعه ملی و توسعه منطقه‌ای؛

- افزایش و ارتقای مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

ج) حذف حمایت‌های عمومی (افکار عمومی) از تروریسم در سطح ملی، محلی و بین‌المللی

- پوشش کامل ابعاد عملیات‌های تروریستی در سطح ملی و بین‌المللی؛

- آگاه کردن جامعه داخلی و بین‌المللی از تهدیدهای مشترک و هزینه‌های داخلی و خارجی؛

- مشروعیت‌زدایی از بنیان‌های فکری و رفتاری گروه‌های تروریستی؛

- ترویج فرهنگ امنیت میان مردم به منظور گزارش‌دهی موارد مشارکت و اطلاعات

کسب‌شده از محل و ویژگی فعالیت‌های تروریستی.

د) تضعیف هویت و ایدئولوژی گروه‌های تروریستی

- تقویت اعتدال‌گرایی فکری و ایدئولوژیک و نفی افراط‌گرایی؛

- فراهم‌سازی زمینه‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی گروه‌های معتدل در چارچوب

قانون اساسی؛

- تقویت همبستگی ملی مبتنی بر پذیرش تنوع و حفظ تکثر سیاسی، اجتماعی

و فرهنگی.

ه) عملیات روانی

- آلوده‌سازی ایده‌ها و افکار رادیکال و به‌سخره گرفتن ارزش‌های خشونت‌گرا؛

- تلاش برای تغییر مدل فکری اعضای گروه‌ها؛

- تعیین و شناسایی علل ایجاد «حس تنفر» و نگرش افراطی تروریست‌ها؛

- شناسایی نحوه متقاعدسازی اعضای گروه‌های تروریستی برای عملیات انتحاری

و ایجاد اختلال در این فرایند.



۵. سیاست‌های کلان معطوف تحدید فعالیت‌های گروه‌های تروریستی

الف) محدودیت برای عضوگیری

- آگاه‌سازی خانواده‌ها از پیامدهای امنیتی همکاری با گروه‌های ترور؛
- حمایت از فعالیت انجمن‌های مدنی، فرهنگی و هنری غیرافراطی در مدارس، دانشگاه‌ها و غیره؛
- اطلاع‌رسانی در مدارس و دانشگاه‌ها از تهدیدهای امنیتی تروریسم علیه امنیت ملی، امنیت اقتصادی، امنیت فردی و حقوقی شهروندی.

ب) محدودیت برای حمایت‌های عمومی

- آگاه‌سازی افکار عمومی از اقدامات غیرانسانی و مغایر امنیت ملی و امنیت مرزی؛
- مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی، افکار و شخصیت‌های اصلی گروه‌های ترور؛
- افشای وابستگی‌های مالی - سازمانی و فکری گروه‌های ترور به سازمان‌ها و کشورهای متخاصم خارجی؛
- قطع ارتباط گروه‌های مرجع و مذهبی با گروه‌های تروریستی.

۶. سیاست‌های تحدید و دفع تروریسم در مبدأ (و اجازه ندادن به ارتقا و گسترش افقی یا

عمودی آن)

منظور این است که هر جا تروریسم شکل می‌گیرد، در وهله اول در همان نقطه متوقف شود و فراگیر نشود.

الف) سیاست‌های دفع تروریسم در خارج از کشور

- مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی گروه‌های ترور در کشورهای میزبان؛
- تقبیح و هجمه تبلیغاتی علیه گروه تروریستی در عرصه افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی؛

ب) محدود کردن تروریست‌ها به بستر اصلی شکل‌گیری آن در داخل

- محدودسازی فعالیت‌های تبلیغاتی رسانه‌ای؛
- جلوگیری از ایجاد شعبه‌های تشکیلاتی و نهادهای همسان از سوی گروه تروریستی در مناطق دیگر از طریق مشروعیت‌زدایی و از بین بردن بسترهای فکری و فرهنگی.



۷. مقابله با تمام انواع تروریسم موجود یا پیش روی کشور

الف) تروریسم قومی

- تعدیل شکاف‌های طبقاتی، اجتماعی و منطقه‌ای به لحاظ شاخص‌های توسعه و رفاه عمومی؛
- فراهم کردن فعالیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گروه‌ها، شخصیت‌ها و جریان‌های معتدل و غیرافراطی.

ب) تروریسم مذهبی

- محرومیت‌زدایی و افزایش شاخص‌های توسعه به ویژه در عرصه سواد و آگاهی‌های عمومی؛
- جلوگیری از تبلیغات یا فعالیت‌های تحریک‌آمیز جریان‌های مذهبی افراطی؛
- برگزاری کنفرانس‌ها و هم‌اندیشی‌های مستمر بین علمای شیعه و اهل سنت.

ج) تروریسم سیاسی

- آگاه‌سازی رسانه‌ای از اهداف، ایدئولوژی و روش‌های فرقه‌گرایانه تروریسم سیاسی؛
- هشدار و تنبیه حامیان اجتماعی و مالی این گروه‌ها که معمولاً قدرت‌های جهانی و رژیم صهیونیستی هستند.
- به حاشیه‌رانی گروه‌های رادیکال در فضای سیاسی و تضمین فعالیت گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قانونی و غیرافراطی.

تقسیم وظایف نهادهای جمهوری اسلامی ایران در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم

برای انجام این امر، طرح جامع، دو سرفصل اجرایی دارد که وظیفه نهادهای مرتبط با امر فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران را مشخص ساخته است:

۱. تقسیم وظایف ملی در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم؛
۲. تقسیم وظایف نهادهای حاکمیتی (عمومی) در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم.



۱. تقسیم وظایف ملی در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم
سیاست‌های ملی ضد تروریسم باید مأموریت، وظایف، نقش‌ها، برنامه‌ها و کارکردهای
تخصصی هر بخش را روشن کند:

الف) وظایف نهادهای کلان حاکمیتی

- سیاست‌گذاری‌هایی که به لحاظ حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمینه
ظهور و رشد گروه‌های تروریستی را از بین ببرد.
- فراهم کردن زمینه حضور قانونی گروه‌های معتدل و مقید به چارچوب‌های قانونی
و اخلاقی؛
- جدیت قوای حاکمیتی برای فرهنگ‌سازی در جهت تقویت نظام و جامعه‌ای که
تبعیض، تحقیر و فقر به حداقل برسد.

ب) وظایف نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد

- تبیین و آگاه‌سازی از پیامدهای امنیتی و اجتماعی هرگونه رادیکالیسم فکری و
سیاسی؛
- وساطت بین گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای با نهادهای حاکمیتی و ترویج فرهنگ
گفت‌وگو و گفت‌وگو و گفت‌وگو محور میان آنان؛
- کمک به تقویت اعتدال‌گرایی فرهنگی و اجتماعی؛
- ایجاد عملیات روانی علیه تروریسم؛
- مشارکت همگانی در تمام فعالیت‌های ضد تروریستی.

ج) وظایف نهادهای رسانه‌ای

- آگاه‌سازی و انعکاس فعالیت‌ها، اقدامات و جنایت‌های گروه‌های تروریستی به
ویژه خسارات گروه‌های تروریستی در خارج از کشور (ضمن پرهیز از دهشت‌افکنی
بین افکار عمومی)؛
- بررسی و نقد فضای سیاسی و امنیتی که زمینه رشد رادیکالیسم را فراهم می‌کند.
- اطلاع‌رسانی سریع از اهداف احتمالی فعالیت‌های تروریستی در شرایط بحرانی با
رعایت ملاحظات خاص مطرح در حوزه عملیات روانی؛
- برخورد رسانه‌ای با معرفی نارسا از اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و
شناساندن چهره خشن جریان‌های تکفیری، وهابی و تندرو؛



- تلاش برای تقویت وحدت و مودت بین شیعه و سنی بر اساس مشترکات دینی و تهدیدهای مشترک؛

- معرفی تصویر حقیقی از تحمل و مدارای دینی در اسلام؛
- نشان دادن خطرهای طرح‌های گروه‌های تکفیری تروریستی علیه ثبات و امنیت کشور و جهان؛

- ایجاد اتهام و تخریب چهره سیاسی و حامیانه (حامی‌پرور) کشورهای حامی تروریسم در منطقه.

د) وظایف نهادهای علمی، دانشگاهی و پژوهشی

- بررسی و تبیین بنیان‌ها و ریشه‌های فکری و اجتماعی تروریسم و رادیکالیسم؛
- ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های فرهنگی عینی ظهور و رشد تروریسم در کشور؛
- آگاه‌سازی نهادهای حاکمیتی از تحولات فکری، بنیان‌های اجتماعی، مکانیزم‌ها، ابزارهای نوین تشکیلاتی و ارتباطاتی گروه‌های تروریستی؛
- بررسی تاریخی ریشه‌ها و عوامل ساختاری (به ویژه فرهنگی) تروریسم.

ه) وظایف نهادهای حوزوی

- بررسی‌های بنیادین پژوهشی و فکری درباره ابعاد فقهی، اخلاقی و مذهبی تروریسم تکفیری و سایر مبانی فکری فعالیت‌های تروریستی؛
- ایجاد زمینه‌های تعامل و گفت‌وگو با جریان‌های فکری - مذهبی رادیکال بین اهل سنت؛

- اصلاح نظام آموزش و تربیت روحانیون اهل سنت در مدارس دینی با مشارکت علمای طراز اول اهل سنت؛

- تلاش منسجم و پیگیر علما و مراجع دینی و مراجع دینی برای تدقیق مفاهیم جهاد، بغی، ارتداد، تکفیر در تفکر دینی و نظام سیاسی اسلامی؛

- تلاش علما و مراجع دینی برای تدقیق مفهوم انتظار، فرج و آرمان مترقی مهدویت به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های سیاسی گروه‌های افراطی.

۲. تقسیم وظایف نهادهای حاکمیتی (عمومی) در تحقق راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم
الف) وزارت کشور

- فراهم کردن بستر لازم برای فعالیت و حضور گروه‌ها، احزاب و نهادهای مدنی که



این امر امکان جذب و جذابیت فکری و تشکیلاتی رادیکالیسم را می‌خشکاند.
- مشارکت دادن نیروهای اجتماعی و مذهبی متنفذ و منتقد برای مبارزه با تروریسم؛

ب) نهادهای امنیتی و انتظامی

- ایجاد و حمایت از رشد و گسترش انواع جریان‌های فکری، فرهنگی و اندیشه‌ای متعادل بین گروه‌های مختلف اپوزیسیون، اقوام، اهل سنت ایران و نیز مسلمانان کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه؛
- نزدیک کردن دستگاه‌های امنیتی در مناطق حساس به مردم بومی برای جلب حمایت عمومی؛
- تلاش جدی برای تغییر حمایت احتمالی افکار عمومی از تروریست‌ها به دستگاه‌های امنیتی و جلب مشارکت آنها؛
- شناخت عمیق انگیزه‌ها و دلایل و ریشه‌های گرایش افراد به گروه‌های تروریستی؛
- شناخت عمیق انگیزه‌ها و دلایل و ریشه‌های گرایش گروه‌های سیاسی به تروریسم؛

- مشروعیت‌زدایی از توجیهات دینی و اخلاقی مورد استفاده گروه‌های تروریستی؛
- تغییر ادبیات تروریسم به افراط‌گری، رادیکالیسم و خشونت در فضای عمومی کشور در جهت مشروعیت‌زدایی از تروریسم و بی‌اعتبار کردن گروه‌های تروریست؛
- تلاش مستمر برای آگاهی‌مدیران و مسئولان نظام کارگزاری در خصوص ماهیت جریان‌های تروریستی؛
- بازتاب رسانه‌ای هدایت‌شده و مهندسی‌شده اخبار جنایات و اقدامات تروریستی در سطح ملی و فراملی؛
- بازتاب محکومیت اقدامات تروریستی توسط تمام جریان‌ها، شخصیت‌ها و قشرهای اجتماعی.

ج) مجلس شورای اسلامی (سه کمیسیون ذی‌ربط)

- اصلاح قوانین بر مبنای تهدیدها و الزامات جدید فعالیت‌های تروریستی؛
- تدوین قوانین مرتبط با بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی مبارزه با تروریسم؛

د) شورای عالی انقلاب فرهنگی

- بررسی بنیان‌های فکری و فرهنگی رشد و ظهور رادیکالیسم در کشور و اتخاذ تدابیر لازم؛
- فراهم کردن زمینه تعاملات فکری - فرهنگی یا چندجانبه‌گرایی فرهنگی در کشور؛
- تقویت روابط و مناسبات بین‌فرهنگی و کاهش حساسیت‌های بین‌فرهنگی بین اقوام و مذاهب کشور؛
- حذف و کاهش روحیات نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی، محروم‌سازی، تعصب‌گرایی و دشمن‌سازی؛
- جلوگیری از به حاشیه‌رانی، تبعیض، اذیت و آزار پناهندگان و گروه‌های آسیب‌دیده؛
- ترویج فرهنگ مدارا به معنای احترام و توجه به تنوع فرهنگ‌ها و شیوه‌های ابراز بیان به عنوان گرایشی ذهنی؛
- استخراج و گسترش مدارای اجتماعی از مبانی فرهنگی، ادبی و فلسفی ایرانی و اسلامی؛
- تلاش برای محکومیت اخلاقی اعمال تروریستی در افکار عمومی و نام‌گذاری «بی‌قیدی اخلاقی» بر هر نوع رفتار افراط‌گرایانه، تروریستی، خشونت‌طلبانه و آشوبگرانه؛
- کاهش تمایل عموم شهروندان به استفاده از راهبرد خشونت در فرهنگ عمومی برای پیگیری مطالبات دسته‌جمعی و روی‌آوری مردم به روش‌های مدنی و پارلمانتاریستی؛
- حاکمیت فرهنگ صبر و تحمل برای پیگیری و تحقق نیازها و مطالبات.

ه) وزارت علوم و فناوری

- اصلاح دروس و سرفصل‌های دروس مرتبط با مطالعات امنیتی، دفاعی، انتظامی و ایجاد رشته تحصیلی ضد تروریسم در مراکز آموزشی مرتبط؛
- فراهم کردن زمینه تقویت گرایش‌ها و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی غیررادیکال در دانشگاه‌ها؛
- کنترل جدی فعالیت‌های محافل فرقه‌ای و گروه‌های افراطی در دانشگاه‌ها؛
- نظرخواهی مستمر از مردم درباره گرایش به خشونت و افراط‌گری؛



- طراحی دروس، دوره‌ها و رشته‌های علمی و دانشگاهی در مقاطع مختلف با محتوای زیر:

* شناسایی گروه‌های افراط‌گرا و سازمان‌های افراطی؛

* علل افراط‌گرایی مذهبی، قومی و نژادی؛

* روان‌شناسی ترس؛

* شبکه‌های حمایت از تروریسم؛

* راهبردهای آدم‌ربایی و گروگان‌گیری؛

* ضد تروریسم پیشرفته؛

* رهبران فرقه‌های کاریزماتیک؛

* تروریسم داخلی پیشرفته؛

* پویایی گروه‌های تروریستی؛

* روش‌های تحقیق پیشرفته در ضد تروریسم.

- استفاده از ظرفیت‌های محققان و نهادهای علوم اجتماعی کشور برای تشخیص،

تحلیل و مبارزه با تروریسم حول محورهای زیر:

* تحلیل علل ریشه‌ای تروریسم؛

* چگونگی تروریست شدن افراد؛

* چگونگی جلب حمایت عمومی توسط تروریست‌ها؛

* متغیرهای محیطی موجد رفتار و تصمیم‌های تروریستی؛

* چگونگی تربیت افراد غیر رادیکال؛

* چگونگی افول یا تغییر الگوی فعالیت‌های تروریستی؛

* چگونگی قطع همکاری افراد با گروه تروریستی؛

* نحوه استفاده از دانش محلی برای طراحی پیام‌های ضد تروریستی.

- شناسایی و ترسیم نقشه تحقیقات و محققان و متخصصان حوزه تروریسم از روش

بیلبیومتری در سطح کشور، منطقه و جهان و جلب مشارکت آنها در قالب نهادهای

علمی؛

- تأسیس، حمایت و تقویت گروه‌های علمی و نهادهای فعال مدنی در حوزه

صلح‌پژوهی و صلح‌آفرینی؛

- انجام پژوهش‌های علمی برای حذف سنت‌های تاریخی، خانوادگی و فرهنگی

حامی تفکرات تروریستی و مطالعه نحوه اجتماعی شدن با رویکردهای تروریستی و



کیفیت جذابیت یافتن تروریست‌ها بین اهالی مناطق مختلف درگیر با تروریسم؛
 - تحلیل فرایندهای گروهی (محیط گروه و گروه‌پژوهی) سازمان‌های تروریستی
 برای تشخیص گروه فکری و نحوه شکل‌گیری رهبران کاریزماتیک در گروه‌ها؛

(و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (اقدامات فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغی و عملیات روانی)
 - تدوین طرح کنترل جامع رسانه‌ای گروه‌ها و جریان‌های فکری رادیکال و افراطی؛
 - تشویق نظام رسانه‌ای به ارزیابی و تحلیل هزینه‌های امنیتی و اجتماعی
 فعالیت‌های تروریستی؛

- تضعیف مکانیزم‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی گروه‌های رادیکال؛
 - راهبرد توجیه اخلاقی تدابیر ضد تروریستی از طریق:
 * بیان دلایل دفاع خشونت‌بار علیه تروریست‌ها؛
 * جدی پنداشتن تهدیدهای تروریستی (در افکار عمومی)؛
 - آشکارسازی شیوه‌های خودفربیی، تلقین عقیده، شست‌وشوی مغزی و فروپاشی
 شخصیت بین اعضای گروه‌های تروریستی؛

- القای این احساس بین عموم که عملیات تروریستی قابل مهار و مقابله است.
 - کاهش وحشت و اضطراب ناشی از وقوع عملیات تروریستی؛
 - ایجاد اطمینان خاطر در مردم برای کشف عواملان تروریستی؛
 - القای جنایت‌آمیز بودن عملیات تروریستی و استفاده از مهارت‌های زبانی (استفاده
 از قدرت‌های زبانی) برای برچسب‌زنی عملیات تروریست‌ها؛
 - بازتاب فعالیت‌های تروریستی به عنوان جنایت؛
 - ابهام‌زدایی از مکانیسم‌های روان‌شناختی رفتارهای تروریستی (به ویژه در عملیات
 انتحاری)؛

- برخورد روان‌شناختی با دستگیرشدگان حملات تروریستی برای تشخیص
 اختلالات و آسیب‌های روانی به منظور ممانعت از پیوستن مجدد آنها به گروه‌های
 تروریستی؛

- ایجاد شرایطی برای تخلیه روانی جوانان و شهروندان، کاهش سرخوردگی‌ها و
 افزایش نشاط، شادی و طراوت عمومی؛
 - ارتقای مکانیسم خودکنترلی، خودتنظیمی و نظارت اخلاقی درونی بین اعضای
 گروه‌ها؛

- تخریب اعتماد به نفس و اطمینان مهاجمین و تروریست‌های بالقوه نسبت به



توانایی‌هایشان برای انجام حملات موفقیت‌آمیز از طریق تبلیغ توانایی‌های نهادهای اطلاعاتی - امنیتی و نظامی کشور؛

- ترویج رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران که باید قاطعانه (در شرایط فقدان حمله) تأکید کند «در برابر تروریست‌ها هیچ‌گاه امتیاز نخواهد داد».

- ایجاد جوّ روانی مبنی بر اینکه «جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تروریست‌ها حتی خارج از خاک خود هیچ محدودیتی قائل نیست».

- راهبرد توجه به ریشه‌های تروریسم و جست‌وجوی زمینه‌های روانی گرایش به تروریسم ناشی از مسائل مذهبی، تحقیر و نکوهش، آموزش، منطقه جغرافیایی،

ارتباطات، خاستگاه روستایی و کشاورزی، صنعت، زبان، تاریخ، حمل و نقل و دسترسی، تاریخ، اساطیر، اقتصاد، روابط فامیلی، قبیله‌ای، گرایش‌های قومی و فرهنگی؛

- افزایش دامنه ارتباطات (و روابط) میان فرهنگی بین اقوام و مذاهب کشور (به ویژه شیعه و سنی) و تقویت مناسبت‌های مذهبی وحدت‌آفرین؛

- کاهش حساسیت‌های (منفی) بین‌فرهنگی؛

- کاهش عصبیت‌های قوم‌گرایانه، قبیله‌گرایی و انحصارگرایی‌ها با مشارکت فعالانه اندیشمندان و روشنفکران محلی؛

- کاهش رقابت‌های فرهنگی محلی؛

- پذیرش و رواج گفت‌وگوی سیاسی بین‌نخبگان؛

- اتخاذ راهبردهای ملی مشخص درباره لزوم و نحوه آشکارسازی حملات تروریستی و کیفیت اعلام انتساب حملات.

ز) رسانه‌های جمعی

- پوشش فراگیر رسانه‌ای اقدامات و عملیات‌های تروریستی؛

- بهره‌گیری و کسب کمک از مراکز پژوهشی و نخبگان علمی و سیاسی کشور

برای تحلیل ریشه‌ها و زمینه‌های ظهور و فعالیت تروریسم؛

- پوشش مناسب فراملی (برون‌مرزی) اقدامات داخلی و خارجی تروریستی برای

نشان دادن عواقب خطرناک و مخرب تروریسم نزد افکار عمومی؛

ح) وزارت آموزش و پرورش

- اصلاح برخی سرفصل‌های درسی و توجه به آمادگی‌های عمومی برای مقابله با

تروریسم؛



- آموزش‌های فوق برنامه درباره پیامدهای امنیتی و شخصی حمایت یا همکاری با گروه‌های ترور؛
- کنترل فعالیت و تبلیغات گروه‌های ترور در مدارس و نظام آموزش برای جذب نیرو؛
- اصلاح متون درسی برای حاکمیت فرهنگ مدارا، تحمل و صبر.

نتیجه‌گیری

بین راهبردهای مختلفی که نظامی‌های سیاسی و اجتماعی برای مقابله با تروریسم می‌توانند اتخاذ کنند، راهبردهای فرهنگی جایگاهی بسیار مهم دارند؛ به ویژه آنکه اتخاذ این راهبرد بسیار کم‌هزینه و البته مؤثر و اثربخش است. در واقع سیاست‌های فرهنگی ضد تروریسم مبنای اصلی مقابله با تروریسم به شمار می‌آیند. بر این اساس برای پیشگیری از تشدید و تعمیق تمایلات تروریستی بین شهروندان، به خصوص گروه‌های قومی، مذهبی و قشرها و طبقات ضعیف جامعه باید به سمت پیگیری این راهبردها همت گماشت. در مقاله پیش رو پس از مرور ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها، محدودیت‌ها و نقاط ضعف موجود در کشور (در حوزه مقابله با تروریسم)، این راهبردها در هفت سرفصل مجزا و ذیل هر کدام محورهایی معین ارائه شد. جوهره اصلی این راهبردها مشروعیت‌زدایی از فعالیت‌های تروریستی و تلاش برای کاهش گرایش به رادیکالیسم میان شهروندان است. در انتهای مقاله نیز وظایف و مسئولیت‌های مهم‌ترین نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی در حوزه فرهنگی معرفی شده است. امید آنکه چارچوب و راهبردهای ارائه‌شده توسط سایر محققان نقد شود و مبنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های آتی مدیران کشور قرار گیرد.



منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۶۸)، فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات مروارید. امین زاده، الهام (۱۳۸۰)، «تفاوت تروریسم و تلاش برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت»، فصلنامه راهبرد، ش ۲۱، پاییز.
- ایزدی، حسن و علی اکبر دبیری (۱۳۹۲)، «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، فصلنامه ژئوپلتیک، س ۹، شماره اول، بهار.
- بدی، توماس جی. (۱۳۷۸)، «تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش عملی»، [ترجمه سید رضا میرطاهر]، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: سمت.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «ریشه‌ها و زمینه‌های جامعه‌شناختی افراط‌گرایی»، مجموعه مقالات همایش ملی اعتدال، ج اول، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- حاجیانی، ابراهیم و عبدالحسین ضمیری (۱۳۸۹)، پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رایش، والتر (۱۳۸۱)، ریشه‌های تروریسم، [ترجمه حسین محمدی نجم]، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایات سازمان‌یافته فراملی، تهران: انتشارات صدرا.
- طیب، علیرضا (۱۳۸۲)، تروریسم؛ تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نشر نی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، تروریسم‌شناسی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۷)، «مفهوم‌شناسی فرهنگ به مثابه یک نظام»، دانشگاه اسلامی، ش ۳۷، بهار.
- فیرحی، داود و صمد ظهیری (۱۳۸۷)، «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۲۸، ش ۳، پاییز.
- کراین، کیم و پیتر شالک (۱۳۸۸)، تروریسم و توسعه، [ترجمه عباس محمدی اصل]، رشت: انتشارات حق‌شناس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، [ترجمه منوچهر صبوری]، تهران: نشر نی.
- هنل، ریچارد (۱۳۸۳)، تروریسم؛ شکل جدید جنگ، [ترجمه احمد واحدیان غفاری]، تهران: انتشارات سخن‌گستر.

- Altheide, David L. (2007), "The Mass Media and Terrorism", *Discourse & Communication*, CA: SAGE Publications, available at: <http://dcm.sagepub.com/content/1/3/287>
- Barak, Gregg (2004), "A Reciprocal Approach to Terrorism and Terrorist-Like Behavior", *Terrorism and Counter-Terrorism: Criminological Perspectives*, Edited by: Mathieu Deflem, pp.33-49, San Diego: ELSEVIER Inc.
- Benjamin, Daniel (2008), "Strategic Counterterrorism", *Foreign Policy*, Policy Paper, No. 7, Washengton D.C.: The Brookings Institution, October.
- Crenshaw, Martha (2000), "The Psychology of Terrorism: An Agenda for the 21st Century", *Political Psychology*, 21:2, June.
- Davis, Paul K. & Jenkins, Brian Michael (2002), *Deterrence and Influence in Counterterrorism: A Component in the War on al Qaeda*, Santa Monica: RAND.
- Hoffman, Bruce (1998), *Inside Terrorism*, New York: Columbia University Press.
- Robertson, David (1993), *A Dictionary of Modern Politics*, London: British Library Cataloguing in Publication Data.
- Schmid, Alex P. (1993), "The Response Problem as a Definitian Problem", *Western Response to Terrorism*, Alex Schmid & Ronald D. Crelinstern, London: Frank Cass& Co.Ltd.
- Serfim, Ana (2005), "Terrorism-A Cultural Phenomenon?", *The Quarterly Journal*, Spring.